

تورم و افزایش قیمت‌ها يك خطر جهانی است

از دیاد تولید یا کاهش مصرف کدام يك درمان اساسی این مشکل بشمار میرود؟

حقیقت این است که دنیا در تنگنای يك خطر جدی جهانی قرار گرفته ، و یکبارہ همه امیدهای بشر برای تولید و ثروت و آسایش و رفاه بیشتر بیادرفته است.

این خطر همان «تورم جهانی» است که روز بروز بصورت دهشتناکی بر ابعاد آن افزوده میشود. با اعتقاد برخی از اقتصاددانان ، اگر آهنگ ترقی قیمت‌ها بهمین سرعت افزایش یابد ، دنیا در بحران عظیمی همانند ۱۹۳۰ سقوط خواهد کرد. (۱) گرچه در باره این پیش‌بینی اتفاق نظر وجود ندارد ، معذالك خطر «تورم جهانی» سلامت اقتصاد غالب کشورهای فقیر و ثروتمند را بیش و کم تهدید میکند، و ابعاد آن چنان گسترش یافته است که به گفته رای اش (Roy Ash) رئیس دفتر کل بودجه آمریکا ، دیگر هیچ کشوری نمیتواند به تنهایی و مستقلا با چنین تورمی مبارزه کند. بموجب برآوردهائی که شده ، در طی یکسال گذشته درصد ترقی قیمت‌های کالاهاى مصرفی بین قریب ۸ درصد (در فرانسه و آلمان غربی) و ۵٫۲ درصد (در آذربایجان) نوسان داشته است، و در مورد برخی از کشورها پیش‌بینی درصد ترقی قیمت‌ها در طی سال جاری (۱۹۷۴) از میزان فوق‌نیز بیشتر است .

بنوان مثال ، میزان تورم در ژاپن قریب ۲۰ درصد بر آورده شده است، و بدین ترتیب رشد واقعی اقتصاد این کشور (به قیمت های ثابت) فقط ۲٫۵ درصد پیش‌بینی میشود ، و با توجه بد اینکه اتحادیه‌های کاری خواستار ۲۰ درصدالی ۴۰ درصد اضافه دستمزدها اند، در سال ۱۹۷۴ آهنگ عمومی قیمت‌ها شتاب بیشتری خواهد یافت.

در سایر کشورهای صنعتی نیز چنین روندی ملاحظه میشود، در انگلستان درصد ترقی قیمت‌ها در سال ۱۹۷۳ قریب ۱۲ درصد محاسبه و میزان تورم در سال ۱۹۷۴ متجاوز از ۱۵ درصد پیش‌بینی شده است و همین امر موجب سقوط دولت محافظه کار انگلستان گردید. سایر کشورهای صنعتی غرب (مانند ایتالیا و کشورهای اسکاندیناوی) نیز کم و بیش با

۱- به مقاله زبر رجوع شود :

مسأله اساسی «تورم در مقابل کاهش درصد رشد اقتصادی» درگیر هستند.

حتی در آمریکا شاخص قیمتهای مصرفی در طی سال ۱۹۷۳ به میزان ۹.۴٪ ترقی نمود، تورمی که در ۲۳ سال گذشته سابقه نداشته است.

تورم برای اغلب کشورهای جهان سوم (باستثنای کشورهای صادرکننده مواد خام و اولیه) فاجعه بزرگی بشمار میرود. برای ممالکی چون هندوستان و بنگلادش دیگر موضوع رشناقتصادی مطرح نیست، بلکه بقای آنها در خطر جدی است.

بعبارت دیگر، چگونه این کشورها خواهند توانست حداقل نیازمندیهای غذا و سرخفت خود را که برای ادامه زندگی ضرورت دارد تأمین کنند؟

عوامل تورم

مسأله اساسی برای جمیع کشورهای جهان (اعم از صنعتی و در حال توسعه) این است که چرا بدین گونه در گرداب تورم غرق شده اند؟ گرچه امروز متداول شده است که افزایش قیمت نفت را علت اساسی ترقی هزینه زندگی تلقی میکنند، ولی در حقیقت ازدیاد قیمت نفت تنها علت (و یا حتی علت عمده) تورم جهانی نیست.

به گفته دکتر کارل شپلر، وزیر سابق اقتصاد و دارایی آلمان غربی، «تورم چیزی نیست که یکباره نازل گردد، بلکه در طی مدت بالنسبه بلندی ظاهر میشود» (۱) ترقی قیمتها در نتیجه اتخاذ سیاستهای غیر واقع بینانه در طی سالهای متمادی بوقوع می پیوندد.

بدین لحاظ «آلن - گرین سپان» اقتصاددان آمریکائی میگوید: «تورم يك مسأله سیاسی است، نه اقتصادی. رقابت سیاسی (و حفظ وضع موجود) موجب میشود که سیاستمداران روی امتیازات کوتاه مدت تکیه کنند بدون اینکه اثرات و هزینههای بلندمدت خطمشی و سیاست خود را در نظر بگیرند» (۲) بعبارت دیگر، در بسیاری از کشورهای جهان دولت بدون اینکه توانائی ازدیاد تولید را داشته باشد، از اقدامات ضد تورمی بمنظور کاهش تقاضا و تقلیل مصرف (بدلیل احتراز از واکنشهای سیاسی این امر) سر باز زده است.

تردید نیست که دولت در بسیاری از کشورهای جهان بدنبال رشد اقتصادی بیشتر و کاهش بیکاری، سرعت بر میزان هزینههای خود افزوده و حجم پول و اعتبارات را بالا برده است، بدون اینکه متقابلا از طریق سیستم مالیاتها مقداری از قدرت خرید اضافی را جذب کرده باشند.

نتیجه غائی این وضع، چیزی بجز ترقی قیمتهای داخلی و تسری آن بکشورهای دیگر از مجرای بازرگانی خارجی نیست.

از سوی دیگر، در رابطه بشر با محیط زیست و تغییرات قابل توجهی روی داده است، به عبارت دیگر، افزایش دائم التزاید جمعیت و انتظارات روز افزون نسبت بپر خورداری از مواهب زندگی در يك جامعه «پر برکت» در چنان ابعاد وسیعی رو بگسترش نهاده که از حدود امکانات منابع طبیعی و قدرت تولید اقتصاد جهانی خارج است.

بدین تعبیر، بین امکانات تولید و سطح مصرف هیچ موازنه و تعادل منطقی وجود ندارد.

اگر گفته شود که از منابع تولیدی جهان با اندازه کافی و با سرعت مناسب بنحوی که پاسخگوی افزایش روزافزون مصرف باشد استفاده نمیشود، باز در بلندمدت دشواریهای اساسی اقتصاد جهانی را برطرف نخواهد کرد.

بی شک عوامل مختلفی مانند ترقی قیمت مواد خام اولیه، افزایش سطح دستمزدها، بی نظمی در نظام پولی جهان و ازدیاد هزینههای دولت در ترقی شکفتن انگیز قیمتها دخالت داشته است، ولی علت اصلی تورم جهانی را میتوان در یک جمله کوتاه خلاصه کرد: **کمبود منابع و ازدیاد مصرف**.

برای جلوگیری از ترقی سریع قیمتها، کشورهای مختلف تدابیر و سیاستهای متفاوتی را دنبال کرده اند.

از سیاست تثبیت قیمتها و دستمزدها که در مراحل متعدد در کشورهای صنعتی غرب مانند انگلستان و آمریکا بکار گرفته شده است، نتیجه مطلوب بدست نیامده و وعدهای را اعتقاد بر این است که تدابیر مزبور بیشتر در کنترل سطح دستمزدها مؤثر واقع شده است تا جلوگیری از ترقی قیمت کالاهای مصرفی، و نتیجتاً چنین سیاستی از حمایت عامه مردم برخوردار نخواهد شد.

از سوی دیگر، کاربرد الگوها و تدابیر و ابزار و نظریه های متداول که در گذشته برای حل و فصل مسائل اقتصادی مورد استفاده واقع می شد، امروز بسیار محدود است. به عبارت دیگر، وضع و اجرای سیاستهای مالی، پولی و بازرگانی با مقتضای اوضاع و شرایط اقتصادی امروز دیگر همانند گذشته نتیجه بخش نیست، زیرا ساختمان و ترکیب اقتصادی کشورهای صنعتی با سالهای بدواز ۱۹۳۰ بکلی متفاوت است و نتیجتاً راه حل هایی که برای مقابله با مسائل اقتصادی در دنیای دیروز مؤثر واقع میشد، امروز آنچنان نتیجه بخش نیست. دلیل این امر آشکار است: در جوامع دیروز، اقتصاد کشورهای توسعه یافته بیشتر متکی به تولید محصولات صنعتی و یکی از طرق مؤثر برای جلوگیری از تورم و ترقی قیمتها ازدیاد قدرت تولید یا بهره وری (Productivity) صنایع بود، در حالیکه اقتصاد جوامع ماوراء صنعت (Post - Industria) امروز بیشتر متکی به خدمات است. به عبارت دیگر، امروز در جوامع پیشرفته درصد جمعیت شاغل در بخش خدمات بیشتر از درصد جمعیت شاغل در بخش صنایع است، ولی امکان ازدیاد قدرت تولیدی یا بهره وری نیروی انسانی در بخش خدمات بر مراتب کمتر از امکان ازدیاد بهره وری یا قدرت تولیدی نیروی انسانی در بخش صنایع است. بدین ترتیب نمیتوان انتظار داشت که حتی با ازدیاد تولید کالاهای صنعتی (بدون اینکه بهره وری در بخش خدمات بهمان نسبت افزایش یابد) از سرعت ترقی قیمتها به میزان قابل توجهی کاسته شود. یکی از پدیده های جالب در کشورهای صنعتی امروز، وجود اشتغال ناقص (بیکاری) همراه با تورم و ترقی قیمتها است. در نتیجه ازدیاد بی سابقه هزینه تولید (بویژه مزد مواد خام و اولیه) بسیاری از سازمانهای صنعتی در کشورهای غرب تا حد اکثر ظرفیت از دستگاه تولیدی بهره برداری نمیکند. در این صورت کاهش تولید و اشتغال همراه با تورم و ترقی قیمتها سلامت اقتصاد آنها را تهدید مینماید.

جمع علل و وجوه مذکور در فوق موجب شده است که اقتصاددانان از پیشنهاد نظرات و

راه حل های قاطع و مطمئن جهت جلوگیری از ترقی قیمتها اظهار عجز و ناتوانی کنند. بدین جهت برخی از صاحب نظران اقتصادی مداومت تورم را به عنوان یکی از اوقیبات زندگی اجتناب ناپذیر تلقی نموده و سازش با آن را تجویز میکنند. منتهی برای حفظ قدرت خرید پول در مقابل ترقی قیمتها، يك نوع مکانیسم «تصحیح پولی» بکار میبرند که به موجب آن کلیه پرداختهای مدت دار (مانند حقوق و دستمزد، اجاره، بهره، حقوق بازنشستگی و بیمه های اجتماعی، بدعی مالیاتی، تمهدات مالی طبق عقود و قراردادهای غیره) خود به خود بر حسب شاخص قیمتها تعدیل می شود. برزیل از جمله کشورهایی است که با اقتباس «مکانیسم تصحیح پولی» مذکور سازشی بین آنهاک سریع رشد اقتصادی و ترقی قیمتها برقرار نموده است:

برای نمونه. در سال ۱۹۷۳ در این کشور برای جبران زیان ناشی از تورم به سپرده های پس انداز علاوه بر مبلغ متعارف معادل ۱۳ درصد سپرده به عنوان تصحیح پولی بهره تعلق گرفت. بهمین ترتیب، برای جلوگیری از خسارتی که در نتیجه ترقی قیمتها متوجه وام دهندگان می شود، بازپرداختهای وام طبق شاخص قیمتها تعدیل شد. نکته جالب این است که اجرای طرح مزبور موجب شده است که به میزان قابل توجهی از سرعت ترقی قیمتها در سال های اخیر کاسته شود. نتیجه مطلوبی که از اجرای این طرح در برزیل بدست آمده علاقه کشورهای دیگر را نیز جلب نموده است، و چنانکه میلتن فریدمن (Milton Friedman) اقتصاددان معروف معاصر میگوید «... اجرای این سیستم به شدت مورد علاقه افراد عادی است که راهی برای حفظ قدرت خرید پس اندازهای خود نمی بینند، اما درباره اینکه چه موقع کشور های دیگر از این طرح تبسبت خواهند نمود، صرفاً بستگی به اوضاع و تحولات سیاسی دارد.»

با وجود توفیقی که در اجرای طرح برزیل (مکانیسم تصحیح پولی) بدست آمده است، بنا بر دلائل خاصی انتظار نمیرود که اجرای آن در کشورهای مختلف بسرعت عمومیت یابد، و هنوز يك طرح «اقلیت» نامگذاری شده است. مخالفین طرح از جمله گالبریت (Galbraith) اقتصاد دان معروف آمریکائی، معتقد است که هدف از مدیریت اقتصادی حفظ ثبات ارزش پول و بالا بردن سطح اشتغال است. هیچ دولتی نیایستی کمتر از این انتظار داشته باشد. در صورت اقتباس طرح برزیل از طرف دولت آمریکا، بی کفایتی کامل دولت ثابت می شود. اما با وجود مخالفت با اجرای این طرح، نه گالبریت و نه اقتصاددانان معروف دیگر راه حل قاطع و مطمئنی برای جلوگیری از تورم جهانی پیشنهاد نکرده اند.

بهر تقدیر، تصاویر جالب درباره تظاهرات ضد تورمی مردم در کشورهای مختلف، صفحات مجلات معروف جهان را پر کرده است. ترقی روز افزون قیمتها، سرمایه های هنگفتی را به سوی مامولات زمین، احتکار محصولات غذایی و مواد اولیه، و حتی خرید اشیاء عتیقه سوق داده است، و نتیجتاً شکاف بین اغنیا و فقرا بیشتر شده است. سیستم تولید و وضع میبشت مختل گردیده است. برای جلوگیری از مداومت این وضع نامطلوب چه باید کرد؟

چند راه حل جهانی

چنانکه توضیح دادیم، یکی از ویژگی های تورم کنونی این است که غلبه بر آن از حدود توانایی کشور واحدی خارج است، و برای این منظور همکاری کشورهای مختلف در یک جنبه

وسیع ضرورت دارد. در اجرای این هدف، چند راه حل بشرح زیر پیشنهاد شده است:

(۱) جهاد همگانی برای ازدیاد محصولات غذایی- در اجرای این منظور، آمریکامحدودیت های کشت محصولات غذایی را که سالها در این کشور متداول بود، از میان برداشته است. کشورهای عضو بازار مشترک اروپا نیز بایستی سیاست کشاورزی خود را بنحوی تنبیر دهند که محدودیتهای موجود در مورد بهره برداری از زمین های وسیع و کارآمد در منطقه قرارداد بر طرف شود. با استفاده از تکنولوژی نوین و پاکمک کشورهای صنعتی، یک طرح جامع برای بهره برداری از زمینهای قابل کشت در مناطق مستعدی مانند کنیا و بستر رودهای آمازون و کنگو و دیگر کشورهای حاصلخیز بایستی تهیه شود. از طریق سازمان ملل متحد و یا تشکیلات دیگر، بایستی تسهیلات فنی و مالی مؤثر جهت بهره برداری بیشتر از منابع طبیعی در اختیار کشورهای جهان سوم قرار گیرد. بدین ترتیب، هر کیلو گوچه فرنگی، ذرت یا گوشت اضافی که در هر نقطه از جهان تولید شود، کمکی است مؤثر در کاهش فشار تورم.

(۲) تشکیل اتحادیه جهانی محصولات خام - جمیع کشورهای جهان (اعم از تولیدکننده و مصرف کننده) بایستی در این اتحادیه شرکت کنند. اتحادیه مزبور بایستی آمار و اطلاعات لازم را درباره میزان تولید و مصرف هر یک از محصولات غذایی و مواد خام و اولیه مهم در کشورهای عضو جمع آوری و تجزیه و تحلیل نماید تا بدین ترتیب برنامه ریزی ملی جهت تولید، مصرف و بازرگانی خارجی محصولات مذکور با واقع بینی بیشتری امکان پذیر شود. علاوه تثبیت قیمت مواد خام و اولیه بر اساس حفظ حق حاکمیت ملی و طبق ضوابط و شاخصهای اقتصادی معین ضرورت دارد.

(۳) اصلاح سیستمهای پولی و بازرگانی- بسط و گسترش دادوستد جهانی و توسعه روابط بازرگانی بین المللی و بر طرف کردن موانع و محدودیتهای نامقول بازرگانی بین کشورها، در کاهش هزینه زندگی مؤثر است. نظام کهنه پولی جهان بر اساس نرخهای ثابت برابری با دلار آمریکائی، یکی از علل عمده تورم جهانی در سال های ۷۰-۱۹۶۰ بشمار می رود. سیستم مزبور موجب شده که در نتیجه کسر مزمن در تراز پرداختهای آمریکا، سیل دلار آمریکائی به کشورهای دیگر سرازیر شود، و با ازدیاد حجم پول در کشورهای مزبور، قیمتها در مقیاس جهانی بسرعت ترقی نمود. گرچه در سال ۱۹۷۱ نظام پولی مذکور یکباره فرو ریخت، و برخی از کشورها اصل شناوری برابری پولهای خود را در رابطه با عرضه و تقاضا و نوسانات بازار قبول کردند، معذالک بنظر بسیاری از کارشناسان، ناپایداری و تغییرات مداوم نرخ ارز و برابری پولهای کشورهای مختلف با نیازمندیهای توسعه بازرگانی خارجی در مقیاس جهانی مغایرت دارد و بدین لحاظ تنبیر ارزش خارجی پول کشورهای جهان با رعایت انعطاف پذیری لازم بایستی تحت ضوابط و مقررات خاصی صورت گیرد.

گرچه در تئوری پیشنهادهای مذکور در فوق بالقوه در جلو گیری از ترقی قیمتها مؤثر واقع می شود، ولی متأسفانه اتحاد و اتفاق بین جمیع کشورها برای مبارزه با تورم در یک جبهه وسیع زیاد نویدبخش نیست، زیرا در دنیای امروز کمتر کشوری است که بخاطر تحقق هدفهای

عالی جامعه جهانی از منافع و مطامع ملی خود چشم پيوشد. بدین لحاظ، در ضمن اینکه هر گونه کوششی در جهت تحقق هدفهای فوق در مقیاس جهانی ضرورت دارد، هر کشور نیز از طریق برنامه ریزی ملی با توجه به اوضاع و شرایط خاص خود بایستی در حفظ ثبات نسبی قیمتها بکوشد.

برنامه ریزی ملی برای حفظ ثبات نسبی قیمتها

برنامه ریزی ملی برای حفظ ثبات نسبی قیمتها بایستی در دو جهت صورت گیرد: یکی ازدیاد تولید، و دیگری کاهش مصرف کالاهای ضروری و صرفه جویی در استفاده از منابع مادی و انسانی. برای این منظور وضع و اجرای سیاست اقتصادی بلندمدت و صریح و روشنی ضرورت دارد. گرچه پیشنهاد يك فهرست جامع درباره سیاست اقتصادی مزبور مورد نظر نیست، معذالک برخی از نکات اصلی آن را می توان بشرح زیر خلاصه نمود:

* بسیج همه جانبه جمیع امکانات جهت جلوگیری از رشد سریع جمعیت.
* جلوگیری از گسترش بی رویه شهرها و توسعه صنایع روستایی و اجرای طرح های کشت و صنعت در روستاها .
* اجرای طرح های آبیاری و زراعی و اعطای اعتبارات کشاورزی نظارت شده و استقرار تشکیلات موثر بر اساس اصل خودیاری و عدم تمرکز متمرکز با راهنمائی سازمان های دولتی و استفاده از امکانات بخش خصوصی جهت ازدیاد تولیدات کشاورزی و دامی و مواد خام و اولیه .
* تجدید نظر در ضوابط سرمایه گذاری صنعتی جهت گسترش دامنه فعالیت های صنایع مصرفی قابل رشد با توجه به رقابت پذیری محصولات آنها با کالاهای مشابه خارجی. به عبارت دیگر، در انتخاب طرح های سرمایه گذاری صنعتی دوطرفه اساسی بایستی مورد توجه قرار گیرد: یکی وجود تقاضای داخلی یا خارجی (صادرات) کافی برای فرآورده های آنها، و دیگری هزینه نسبی تولید پنحویکه لااقل در بلند مدت از نظر قیمت و مرغوبیت توانائی رقابت با کالاهای مشابه خارجی را بدست آورند.

* تجدید نظر در سیستم توزیع کالاها و خدمات پنحویکه با قطع ایادی و اسطه و تمرکز فروش و ارتباط نزدیکتری بین خریدار و فروشنده از هزینه و قیمت فروش کاسته شود.
* ایجاد تسهیلات بازرگانی خارجی ترجیحی (Selective Policy) برای ورود کالاهای مورد احتیاج صنایع داخلی (طبق ضوابط مذکور در فوق) و ازدیاد عرضه برخی از کالاهای مصرفی ضروری و کمیاب در داخل کشور.

* نظارت مستقیم دولت و در صورت لزوم اجرای يك نوع سیستم سهمیه بندی برای اختصاص مواد خام و اولیه و محصولات استراتژیکی به تولید کالاهای ضروری و تأمین نیازمندیهای صنایع .

توسعه ظرفیت جذب سرمایه اقتصاد کشور از طریق تعلیم نیروی انسانی برای احراز مهارت ها و تخصص های مورد نیاز، پیشرفت تکنولوژی و بهبود مدیریت، استقرار نظام سازمانی منطبق با نیازمندیهای تولیدی و ازدیاد بهره وری و همچنین توسعه تأسیسات زیربنائی که صرفه جویی های اضافی و خارجی (External Economies) برای تولیدات داخلی ایجاد نموده و هزینه

تولید آنها را کاهش می دهد

* تجدید نظر در توزیع اعتبارات بین برنامه ها و فعالیت های دولتی بر طبق فنون و روش های عامی بودجه نویسی بر حسب اولویت نسبی آنها با توجه به ضوابط و هدف های مذکور در فوق ، و تجهیز پرسنل و اندازه های داخلی برای سرمایه گذاری در طرح های مطلوب.

کاهش مصرف : ضرورت تغییر فرهنگ و ارزش های مصرف

گرچه ممکن است « ازدیاد تولید » درمان اصلی تورم تجویز شود ، ولی يك مسئله اساسی که اغلب فراموش میشود ضرورت « کاهش مصرف » و صرفه جوئی در منابع مادی و انسانی است . امر و زحمتی در دنیای غرب و کشورهای توسعه یافته صنعتی ، فلسفه تازه ای مبنی بر ضرورت کاهش مصرف و جلوگیری از اتلاف منابع رواج یافته است و موج مخالفت با مصرف گرائی ، و اسراف در همه جا پشم می خورد .

حقیقت مسلم این است که در سال های گذشته بشر بیش از آنچه طبیعت قدرت تحمل آن را داشته مصرف و اسراف نموده است . امکانات و منابع محدود ، در مقیاس جهانی ، دیگر توانائی ارضاء این همه « نیاز های نامحدود » را ندارد . یکی از عوارض این امر ، فشار دائم التزاید و تفاوض ترقی قیمت ها است . بدین لحاظ ، هم اکنون حتی در کشورهای صنعتی غرب تظاهرات وسیع و همه جانبه در جهت کاهش مصرف به عنوان درمان اساسی تورم تجلی نموده است که نمونه های جالب آنرا در مجلات خارجی می بینیم .

در کشور ما در نتیجه گشایشی که در وضع اقتصاد کشور و ازدیاد درآمدت حاصل شده است ، با توجه به افزایش بی سابقه هزینه های دولتی (بودجه کل کشور) و ازدیاد هزینه های بخش خصوصی ، درآمد سرعت زیاد شده است ، و اگر بخواهیم بهمان سرعت آنرا خرج کنیم طبیعا قیمت ها ترقی خواهند نمود ، زیرا قدرت جذب سرمایه اقتصاد کشور (و هر کشور دیگری) محدود است ، و در نتیجه کمبود سایر عوامل مکمل (مانند نیروی انسانی ماهر و مواد خام اولیه) و محدودیت های سازمانی و تکنولوژیکی ، نمیتوان یکباره بر مجموع تولیدات افزود . بدین لحاظ از یکسو بایستی در بر طرف کردن محدودیت های مذکور بنحوی که قبلا توضیح دادیم بکوشیم ، و از سوی دیگر تلاشی وسیع و همه جانبه در جهت کاهش مصرف میزول داریم . در فرهنگ ما تجمل و اسراف ، نشانه تشخص و جلال است . همین طرز فکر و ارزش های اجتماع باعث میشود که مقادیر هنگفتی منابع کمیاب (مانند آب ، برق ، زمین ، مصالح ساختمانی مواد اولیه ، محصولات غذایی ، پوشاک و ... غیره) بیهوده هدر برود ، بدون اینکه واقعا تاثیر قابل توجهی در سطح زندگی مآداشته باشد ، مصرف زیاد دلیل بزرگی و مناعت طبع نیست ، بلکه بی اعتنائی ما را نسبت به واقعیات و ضروریات زمان نشان میدهد . من و شما میتوانیم از طریق کاهش مصرف و صرفه جوئی ، بسیاری از هزینه های خود را تقلیل دهیم بدون اینکه واقعا محرومیت قابل توجهی احساس کنیم ، با اندکی تأمل ملاحظه میشود که اگر همه خانواده ها چنین عملی را وجه همت خود قرار دهند و مصارف لوکس و تجملی را حذف و در حد نیاز مندیهای ضروری و واقعی خرج کنند ، چه خدمت بزرگی به اقتصاد کشور و جلوگیری از ترقی قیمت ها و بهبود وضع زندگی هموعان خود نموده اند .